

گزارش

دود تحدید استقلال وکلا در چشم ملت

به گفته او، نحوه برخورد سیستم قضائی با وکلای دادگستری دلالت بر نامحرم‌شناختن وکیل دارد: «این چالش دیگری است که نهاد وکالت با آن مواجه است. به عنوان نمونه در این حوزه می‌توان به ممانعت از همراه‌داشتن تلفن همراه در مراجع قضائی اشاره کرد؛ موضوعی که می‌تواند حتی آثار زیان‌بار فردی برای شخص وکیل به همراه داشته باشد، زیرا وکیل در تمام طول وقت اداری در مرجع قضائی حضور دارد. در این زمان اگر اتفاقی ناگواری برای خانواده‌اش بیفتد، خانواده هیچ‌گونه دسترسی‌ای به او نخواهند داشت و ممکن است وکیل زمانی از حادثه مطلع شود که دیگر به قول معروف تیر از چله رها شده است و تمام».

طायبي مشکلات اقتصادی و نبود تضمین درآمد برای وکلا را مهم‌ترین چالش این روزهای نهاد وکالت می‌داند: «افزایش بدون توجیه تعداد وکلا به بهانه اشتغال‌زایی، بسیاری از وکلا را با مشکلات جدی اقتصادی مواجه کرده است. این مسئله البته تبعات دیگری هم به دنبال داشته است که عدم رعایت اصول حرفه‌ای از طرف برخی وکلا یا توسل به راه‌های کسب درآمد مخالف با شئون وکالت از آن جمله است. این معضلات را می‌توان محمول تصویب قوانین مغایر با واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور دانست».

تضعیف استقلال

این وکیل دادگستری درباره وضعیت استقلال نهاد وکالت می‌گوید: «تغییرات در قوانین و مقررات تصویب‌شده اگرچه در ظاهر بر استقلال نهاد وکالت اشاره دارند، اما از یک سو این قوانین با ایجاد قیود متعدد برای این نهاد و از سوی دیگر مداخلات گاه غیرموجه و فراقانونی نهادهای نظارتی، عملا باعث شده‌اند استقلال نهاد وکالت به صورت مستمر تضعیف شود. از جمله این اقدامات هم می‌توان به مداخلات گاه غیرموجه دادگاه انتظامی قضات در خصوص انتخابات هیئت‌مدیره کانون‌ها همان‌گونه که در دستور بالا گفته شد، اشاره کرد. این مداخلات از عدم احراز صلاحیت گرفته تا ابطال انتخابات هیئت‌مدیره‌ها را دربرمی‌گیرد».

او به ماده ۶۸ این‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰ به عنوان یک چالش دیگر اشاره می‌کند: «این ماده به قضاات اجازه داده است که حتی درخصوص شرایط قانونی دریافت پروانه وکالت هم مداخله کنند. چنین اموری بدون تردید نقض استقلال نهاد وکالت است؛ زیرا وکلا به اقتضای حساسیت حرفه‌ای خود باید در بسیاری از موارد در مقام دفاع، از محافظه‌کاری پرهیز کنند، اما این‌دست اقدامات باعث می‌شود در امر دفاع اخلاخ ایجاد شده و دفاع آن‌گونه که باید، انجام نشود. البته هم کم نیستند وکلایی که انتخاب کرده‌اند بدون هراس از مواجه‌شدن با اعلام بلادلیل خلف از سوی مراجع قضائی با نظارتی، به دفاع از موکلان خود و به‌ویژه موکلانی بپردازند که با انتساب اتهام‌های سیاسی اعلامی توسط دادستان مواجه هستند».

کاستن از اعتماد عمومی به نهاد وکالت

این حقوق‌دان درباره صدور پروانه وکالت برای افرادی که مورد وثوق جامعه نیستند مانند سعید مرتضوی، توسط کانون‌های وکلا هم تأکید می‌کند: «در تمامی حرفه‌هایی که صدور پروانه مشروط و منوط به اتیان سوگند است، تا زمانی که این سوگند ادا نشود، پروانه برای هیچ شخصی صادر نمی‌شود. نداشتن سوءشهرت هم به عنوان یکی از شروط دریافت پروانه شناسایی شده است و این امر محل تردید نیست. بر همین اساس، در مقام ضرورت می‌توان به بند ۵ ماده ۱۰ لایحه استقلال کانون وکلا اشاره کرد که بر نداشتن سوءشهرت برای وکیل تأکید کرده است، بنابراین برای دریافت پروانه وکالت باید سوءشهرت نداشت».

او معتقد است بهر بود کانون وکلای یزد، با توجه به اخبار وسیع منتشره در رسانه‌های درباره این فرد، اعم از زمانی که تصدی امر قضا را برعهده داشت یا زمانی که در نهادهای وابسته به تأمین اجتماعی حضور داشته است، از صدور پروانه خودداری می‌کرد و در صورت اعتراض این شخص به چنین تصمیمی، علنا اتخاذ تصمیم درباره درخواست این شخص را به اتخاذ تصمیم دادگاه انتظامی قضاات واگذار می‌کرد. خصوصا اینکه به باور او، تجویز صدور پروانه برای قضاات منفک شده از سیستم قضائی، امتیاز است نه حق.

طायبي ادامه می‌دهد: «اما آنچه ریاست کانون یزد درخصوص رعایت موازین حقوق‌بشری در صدور چنین پروانه‌ای گفته است، به باور من منطبق با این موازین نیست. فارغ از سوابق کاری مرتضوی در تمامی مناصبی که داشته است و با تأکید بر نظریه پیشین که مجوز صدور پروانه برای قضاات منفک‌شده از سیستم قضائی را امتیاز می‌داند نه حق، این مسئله را مورد توجه قرار می‌دهم که براساس موازین قانونی و حقوق‌بشری، برخورداری از حق داشتن شغل برای تضمین امنیت اقتصادی است که تأمین امنیت اخلاقی در جامعه را به همراه دارد. بنابراین از آنجا که قضاات بازنشسته از منظر اقتصادی مواجه با ضرورت برخورداری از شغل به جهت تأمین معاش نیستند، به باور من نمی‌توان صدور چنین پروانه‌ای را در تلازم با موازین حقوق‌بشری دانست. از طرف دیگر، امنیت قضائی ملازمه با نداشتن سوءشهرت دارد که متأسفانه همان‌گونه که اشاره کردید، بسیاری از وکلا این شخص را به سوءشهرت می‌شناسند و باز هم به باور من، موازین حقوق‌بشری اجازه واگذاری حق دفاع به اشخاصی را که دارای سوءشهرت هستند، نمی‌دهد».

به گفته او، صدور پروانه برای چنین افرادی، اعتماد عمومی به نهاد وکالت را که عهده‌دار دفاع از حقوق شهروندان است، از بین می‌برد؛ خصوصا در مواردی که طرف مقابل پرونده مرتبط با ساختار مدیریتی کشور است: «به‌علاوه چنین اقداماتی حق دفاع شهروندان را با مخاطره جدی از جمله احتمال مسامحه وکیل در انجام دفاع شایسته، عدم التزام وکیل به سوگندی که یاد کرده است و نیز ارتکاب هر رفتار مغایر با حقوق دفاعی افراد، مواجه می‌کند».

این وکیل دادگستری درباره مهم‌ترین ویژگی‌هایی که اعضای هیئت‌مدیره کانون‌ها باید از آن برخوردار باشند، می‌گوید: «به باور من برخورداری از حسن شهرت، شهادت دفاع از استقلال کانون‌های وکلا به عنوان تضمین‌کننده بقا و حیات حقوقی کانون، باور قلیبی به استقلال نهاد وکالت و ضرورت بقای آن و همچنین پاکدستی مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که این افراد باید از آنها برخوردار باشند. همچنین به باور من، وکلا باید در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره از انتخاب‌کردن براساس گروه‌گرایی که نتیجه‌اش بده‌بستان‌های صنفی مغایر با شایسته‌سالاری است، پرهیز کنند. همچنین به باور من باید کسانی را به عنوان عضو هیئت‌مدیره انتخاب کرد که جاه‌طلبی صنفی نداشته باشند یا اینکه در حد مقبول چنین جاه‌طلبی‌ای داشته باشند؛ زیرا جاه‌طلبی صنفی نتیجه‌ای جز فساد صنفی به همراه نخواهد داشت. کم‌اینکه دیده شده انتخاب‌های نادرست، عوارض صنفی و اجتماعی بسیاری را متوجه نهاد وکالت کرده و عملا استقلال این نهاد را با مخاطره مواجه کرده است».

حراج کلاسیک تهران: روایت آثار کهن در میدان اقتصاد هنر

بیست‌ودومین دوره حراج تهران در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۴۰۳ با تمرکز بر هنر کلاسیک و سنتی ایران برگزار شد. در این رویداد، ۹۹ اثر هنری شامل ۶۹ نقاشی، ۱۰ تابلو خوشنویسی، ۹۰ مجسمه و آثار فلزی قلمزنی، شش نسخه خطی و شش قالی تصویری به نمایش درآمد که در نهایت ۸۴ اثر به فروش رسیدند. مجموع فروش این دوره به ۲۲۴میلیاردو ۷۱۹ میلیون تومان رسید (معادل حدود ۴.۵ میلیون دلار) که نشان‌دهنده استقبال گسترده مجموعه‌داران و علاقه‌مندان به هنر ایرانی است. اگرچه این میزان همچنان فاصله درخور توجهی با قابلیت‌های بالقوه بازار هنر ایران و میزان فروش در حراج‌های مشابه بین‌المللی دارد، ولی حواشی گاهی غیرحرفه‌ای، روند رشد و شکوفایی آن را نیز کندتر هم می‌کند (کریستیز در سال ۲۰۲۳ بیش از ۵.۷ میلیارد دلار فروش داشته که بخش عمده آن فروش آثار کلاسیک بوده است).

حراج تهران در سال ۱۳۹۱ با هدف ایجاد بستری شفاف و حرفه‌ای برای خرید و فروش آثار هنری ایرانی راه‌اندازی شد. این رویداد که به صورت سالانه برگزار می‌شود، به دو بخش حراج هنر معاصر و مدرن ایران و حراج هنر کلاسیک و سنتی ایران تقسیم شده است. در سال‌های گذشته، حراج تهران به یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای بازار هنر ایران تبدیل شده و توانسته رکوردهای فروش متعددی ثبت کند. این حراج نقش مهمی در رونق اقتصاد هنر، معرفی هنرمندان اثرنه و جلوگیری از خروج آثار ارزشمند ایفا کرده است.

بازطرح این حقیقت که برگزاری چنین حراج‌هایی نقش بسزایی در شفافیت و رونق معاملات هنری ایفا می‌کند، خود مأموریتی برای همه فعالان عرصه هنر ایران است. حراج تهران حتی بیش از بسیاری از نهادهای هنری فعال و حرفه‌ای جهان، با ارائه اطلاعات دقیق درباره آثار، هنرمندان و قیمت‌های پیشنهادی، بستری شفاف و خوانا برای خریداران و فروشندگان فراهم کرده است. این امر با مقایسه میان سیستم‌های نظارتی و معاملاتی میان این حراج و حراج‌های دیگر، ابعاد شایان تأملی را مشخص می‌کند.

علاوه‌براین، حراج‌های داخلی مانند حراج تهران می‌توانند از خروج آثار ارزشمند هنری جلوگیری کنند. با ایجاد بازاری پویا و فعال در داخل کشور، هنرمندان و مالکان آثار تمایل بیشتری به عرضه آثار خود در این حراج‌ها پیدا می‌کنند. این امر نه‌تنها به حفظ میراث فرهنگی و هنری کشور کمک می‌کند، بلکه از مهاجرت آثار به بازارهای خارجی و کاهش دسترسی داخلی به این گنجینه‌های هنری نیز جلوگیری می‌کند. در حراج‌های بزرگی مانند کریستیز، بونام و ساتنیز، بارها آثار تاریخی از خاورمیانه و سایر تمدن‌های کهن به فروش گذاشته شده است (در سال ۲۰۲۳، مجموع فروش این سه حراج خانه به ۵۷ میلیون دلار در بخش هنرهای اسلامی رسید)



مریم اسفندیاری

پژوهشگر هنر و فرهنگ

و علاوه‌بر مناقشات، دریغ و حسرت کشورهای مبدأ این آثار را به همراه داشته است و در این میان، وجود آثار ایرانی در این حراج‌ها به معنای خروج این گنجینه‌ها از کشور و دسترسی محدودتر علاقه‌مندان داخلی به آنهاست.

برگزاری حراج‌هایی مانند حراج تهران، با تمرکز بر هنر ایرانی، نه‌تنها به حفظ و ترویج مجموعه‌داری این آثار در داخل کشور کمک می‌کند، بلکه به مجموعه‌داران و علاقه‌مندان داخلی امکان می‌دهد به‌راحتی و با اعتبارسنجی مشخصی به این آثار دسترسی داشته باشند. هنر کلاسیک با فرهنگ و سلیقه ایرانیان هم‌خوانی بیشتری دارد و به تداوم و پویایی بازار هنر در داخل کشور منجر می‌شود. حراج کلاسیک به عنوان اولین دوره اجرای آن می‌تواند نوبدبخش گسترش رویکردهای متنوعی در برگزاری پروژه‌ها هنری ایران که موجب توسعه این صنعت و بازار خلاق می‌شود، باشد.

یکی از چالش‌های مهم در مسیر برگزاری چنین حراج‌هایی، مخالفت‌ها و مداخلات برخی نهادهای دولتی و فرهنگی است. سازمان میراث فرهنگی و نهادهای مرتبط، بارها نگرانی‌هایی درباره فروش آثار تاریخی و میراثی ابراز کرده‌اند. این نگرانی‌ها اگرچه در مواردی قابل درک است، اما پرسش اینجاست که آیا این نهادهای تمهیدات بهینه‌تر و راهکارهای مدیریتی بهتری برای حفظ و عرضه آثار هنری دارند یا صرفا با حاشیه‌سازی و کارشکنی، مانع نقش آفرینی بخش خصوصی در این حوزه می‌شوند؟

اگر واقعا دغدغه حفاظت از میراث فرهنگی مطرح است، بهتر است به‌جای جلوگیری از برگزاری حراج‌های قانونی و شفاف، مکانیسم‌هایی برای ثبت، نظارت و کنترل صحیح این حراج‌ها طراحی شود. شفافیت بیشتر، قیمت‌گذاری متصفانه، نظارت دقیق بر منشأ آثار و ایجاد قوانینی برای جلوگیری از خروج غیرقانونی آثار می‌تواند به عنوان راه‌حل‌های بهینه پیشنهاد شود. اما اگر مخالفت‌ها صرفا به دلیل ناتوانی بخش دولتی در مدیریت بازار هنر باشد، نتیجه‌ای جز رکود و قاچاق غیررسمی آثار در پی نخواهد داشت.

حراج تهران با ایجاد بستری که تلاش می‌کند حرفه‌ای‌تر و پویاتر باشد، می‌تواند با جلوگیری از خروج آثار ارزشمند، سازگاری با فرهنگ ایرانی و تمرکز بر هنر بومی، نقشی کلیدی در تقویت و توسعه بازار هنر ایران ایفا کند. در شرایطی که هنر ایرانی در سطح بین‌المللی با تقاضای بالایی روبه‌روست، برگزاری چنین حراج‌هایی یک ضرورت است و تقویت آن ضروری‌تر. بااین‌حال، برای موفقیت بیشتر این حراج‌ها، همکاری نهادهای فرهنگی، هنری، متولی و قانون‌گذار، طراحی سازوکارهای نظارتی هوشمندانه و ارائه راهکارهای مدیریتی کارآمد و روزآمد ضروری است.

معنا در پوچی، عشق در نقص

نمایشگاه آسیمه سر از سامان شادانلو (ایلخان) در گالری نیان



زرا متین فر

پژوهشگر هنر

از سرگشتگی، جست‌وجو، امید و تحول انسانی را خلق می‌کنند.

این روایت به شکلی سیال و غیرخطی، مخاطب را به مواجهه با مراحل مختلف تجربه بشری دعوت می‌کند. آثار در کنار هم همچون قطعات یک اینستالیشن واحد عمل می‌کنند. روایت آنها از مرحله‌ای به مرحله دیگر، سفری تدریجی را نشان می‌دهد؛ از اسارت و انزوا به تأمل درونی، از مواجهه با واقعیت به اشتیاق برای تعالی. این سفر نه‌تنها یک روایت فردی، بلکه داستان جمعی انسان‌هاست. میله‌های زندان، حالت به زانو درآمده، فیکوری با نگاه نامیدانه و پرتمنا به مخاطب و نگاه امیدوارانه فیکوری دیگر به سقف، در کنار هم نماد تناقضات و چالش‌های عواطف انسانی‌اند. انزوا و اشتیاق، ترس و امید، شکست و پیروزی. این مجسمه‌ها همچنین می‌توانند به طور نمادین مرحله‌های مختلفی از زندگی انسان یا حتی یک لحظه خاص از تجربه عاطفی او را نشان دهند. از ترس و انزوا تا رسیدن به امید و عشق، این آثار هریک ایستگاهی در مسیر پیچیده بشری هستند و در نهایت به مخاطب نشان می‌دهند که این سفر، هرچند سخت و پرپیچ‌وخم، ارزش طی‌کردن دارد.

ارتباط میان این آثار، مخاطب را به تعمق در ماهیت روایتگری در هنر معاصر دعوت می‌کند. هنرمند نه‌تنها با خلق فیکورهایی زیبا و مفهومی، بلکه با چپش و همنشینی آنها، داستانی عمیق و چندلایه می‌سازد که هر بیننده را به تأملی فردی و جمعی درباره معنای هستی و تجربه انسانی فرا می‌خواند. این روایت، مخاطب را از درون حصارهایش به سوی سقف امید هدایت می‌کند؛ سفری که در دل آن، تنهایی، عشق و اشتیاق به تعالی در هم تنیده‌اند.

این مجموعه نه‌تنها به صورت بصری چشمگیر است، بلکه به لحاظ مفهومی نیز به غیر از روایت در حوزه‌های فلسفه و روان‌شناسی پرمعناست. از این حیث باید گفت نقص‌های عمدی در ساختار مجسمه‌ها، به‌جای آنکه حس تنامی ایجاد کنند، به



شکلی استاندارد، زیبایی ذات ناقص انسان را به نمایش می‌گذارند. این نقص‌ها در عین حال مخاطب را به چالش می‌کشند تا با جنبه‌های نامکمل و آسیب‌پذیر خود روبه‌رو شود و در آنها زیبایی را ببیند.

آثار این نمایشگاه را می‌توان در بستر فلسفه اگزیستانسیالیسم و روان‌شناسی وجودی تحلیل کرد؛ جایی که هنر به مثابه ابزاری برای کاوش در پرسش‌های بنیادین هستی و تجربه انسانی عمل می‌کند. اگزیستانسیالیسم بر مفهوم «سرگشتگی» یا بی‌قراری انسان در مواجهه با جهانی بی‌معنا تأکید دارد. این فلسفه، انسان را موجودی می‌داند که می‌تواند کما گاهی از تنهایی، نیاز به ارتباط و جست‌وجوی معنا گرفتار شده است. «آسیمه‌سر» دقیقا این تناقض و سرگشتگی را در قالبی هنری به تصویر می‌کشد. فیکورهای کور و کر، با حرکات سرگشته و حالات خلسه‌وار، استعاره‌ای از انسان مدرن هستند که در جهانی آشفته به دنبال عشق، معنا، و ارتباط می‌شود. از منظر روان‌شناسی نیز آثار به نظریه «تکامل از طریق سازه» اشاره دارند که کارل گوستاو یونگ به آن پرداخته است. یونگ بر این باور بود که انسان فقط از طریق مواجهه با سایه‌ها و نقص‌های خود می‌تواند به کمال برسد. مجسمه‌های این مجموعه، با نقص‌های عمدی در ساختار و بافت‌شان، به این ایده شکل بصری می‌دهند. هر فیکور گویی نماینده بخشی از روان انسانی است که با آسیب‌ها و محدودیت‌های خود درگیر است. اما در عین حال، این نقص‌ها به بخشی جدایی‌ناپذیر از زیبایی و حقیقت وجودی آنها تبدیل شده‌اند. این رویکرد، زیبایی‌شناسی «وابستگی» در فرهنگ ژاپنی را نیز به ذهن می‌آورد که به پذیرش نقص و ناپایداری به عنوان بخشی از ذات زیبایی تأکید دارد.

انتخاب آهن و برنز به عنوان متریال اصلی نیز ابعاد فلسفی و روان‌شناختی این مجموعه را تقویت می‌کند. این مواد، در عین سختی و دوام، به مرور زمان اکسید شده و تغییر می‌کنند؛ نمادی از ظرفیت انسان برای تغییر و تحول در دل سختی‌ها. در روان‌شناسی، این ایده در نظریه‌های مرتبط با «تاب‌آوری» بازتاب می‌یابد. تاب‌آوری به توانایی انسان در بازسازی خود پس از تجربه فقدان یا آسیب اشاره دارد؛ همان‌طور که این فلزات، با وجود فرسایش، اصالت و زیبایی خود را حفظ می‌کنند. همچنین مفهوم دست درازشده از سقف که به سوی مجسمه‌ای می‌رود، اشاره‌ای عمیق به ایده «اشتیاق» (Eros) در فلسفه افلاطونی و روان‌شناسی فرویدی دارد. افلاطون در کتاب «ضیافت»، اشتیاق را نیرویی می‌داند که انسان را به سوی کمال و اتصال با چیزی فراتر از خود هدایت می‌کند. در این اثر، این دست نماد امید و اشتیاقی است که علی‌رغم تمام محدودیت‌ها، انسان را به سوی تعالی و عشق می‌کشانند.

در مجموع باید گفت نمایشگاه «آسیمه‌سر» پلی است میان هنر، فلسفه و روان‌شناسی. نمایشگاه هوشمندانه بیننده را به چالشی دعوت می‌کند که زیبایی نه در بی‌نقصی، بلکه در تلاش، اشتیاق و سرگشتگی برای یافتن معنا و ارتباط نهفته است. آثار این نمایشگاه با دعوت مخاطب به درون‌نگری، گواهی هنری بر این حقیقت هستند که انسان در اوج ناکاملی، زیباترین نمود خویشتن است.

نگارخانه

دوره تخصصی کبورتوری هنری در دانشگاه تهران



دوره ۱۰روزه و تخصصی کبورتوری هنری به همت دانشگاه تهران با حضور استادانی با تخصص‌های متفاوت در حال برگزاری است.
استادان این دوره هرکدام از جنبه و زاویه‌ای جدید به این شیوه و مفهوم تازه امر صحنه‌گردانی هنر می‌پردازند.
مدرس ۱۰روزه کبورتوری هنری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، با اعطای مدرک دوزبانه کبورتوری هنری مرکز آموزش تخصصی کاربردی دانشکدان هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ویژه هنرمندان حرفه‌ای، موزه‌داران، گالری‌داران، کارآفرینان و مدیران فرهنگی و هنری، دانشجویان هنر، فعالان بازار هنر، مشاوران هنری و علاقه‌مندان به فعالیت حرفه‌ای در عرصه کبورتوری هنری در حال برگزاری است.
شرکت در این دوره به صورت حضوری یا آنلاین از تمام نقاط ایران و جهان امکان‌پذیر بوده است.
این دوره از یکم اسفندماه آغاز شده و تا ۱۰ اسفند ۱۴۰۳، هر روز از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در مهد آموزش هنر، معماری و طراحی نوین ایران؛ دانشندگان هنرهای زیبای دانشگاه تهران در حال برگزاری است.

کبورتورها نقش مهمی در آفرینش رویدادها و تجربه‌های هنری، تفسیر آثار هنری برای عموم، فراهم‌کردن زمینه و بیش‌لازم درباره ادراک نیات هنرمندان و تبیین اهمیت تاریخی و ماهیت تکنیک‌های هنری دارند.
آموزش اثربخش، به کبورتورها کمک می‌کند زمینه‌ساز ارتقای فرهنگ هنری در جامعه، توسعه کارآفرینی فرهنگی و هنری، ارتباط بیشتر میان مردم و هنرمندان و رونق بازارهای هنری باشند.
در این دوره سعی شده از زوایای متنوع به موضوع کبورتوری نگاه شود و متخصصان و صاحب‌نظران حرفه‌ای این حوزه، کارکردها و نیازمندی اساسی نقش کبورتوری هنری را آموزش دهند.

مدرسان این دوره به ترتیب حروف الفبا:
تکین آغداشلو، مریم اسفندیاری، سیدمحمد بهشتی، فرهنگ پارسی‌کیا، آرش تنهایی، حمیدرضا ششجوانی، بهرنگ صمدزادگان، مهدی کوهیان، حسین گنجی و مریم مجد هستند.

سرفصل‌های این دوره اعم از «تاریخچه و بنیان‌های کبورتوری» را تکین آغداشلو، «روش‌شناسی تبدیل ایده به طرح نمایشگاهی» را آرش تنهایی، «پژوهش و نگارش حرفه‌ای برای پروژه‌های هنر» را مریم اسفندیاری، «رسانه و برندسازی در هنر» را حسین گنجی، «راهیابی به بازارهای بین‌المللی هنر» را بهرنگ صمدزادگان، «مسائل حقوقی در نمایشگاه‌های هنری» را مهدی کوهیان، «فناوری‌های نوین در کبورتوری» را فرهنگ پارسی‌کیا، «اقتصاد هنر» را حمیدرضا ششجوانی، «کبورتوری هنر ایرانی» را سیدمحمد بهشتی و عنوان «چرا رویداد هنری برگزار کنیم؟» را مریم مجد تدریس خواهد کرد.
این رویداد با استقبال خوبی روبه‌رو شده است و حدود صد نفر از ایران به صورت حضوری و بیش از ۴۰ نفر از داخل و خارج از ایران به صورت غیرحضوری ثبت‌نام کرده و در این دوره شرکت کرده‌اند.
به نقل از منابع، «نمایشگاه‌گردان یا کبورتور» کسی است که از طریق (Curator)، پروژه‌های هنری را مدیریت می‌کند.
این نقش سنتی این حرفه که در حقیقت حافظ و متخصص هنر در موزه‌های هنری یا تاریخی بود، برعهده گرفته است و به همین قیاس، امروزه آنچه کبورتورها ارائه می‌دهند، خود دستمایه تفسیر جدیدی از هنر است که روایتی دیگر از آثار یا تاریخ را پیش پای منتقدان یا تاریخ‌نگاران هنر، برای نگاه تازه‌ای به هنر فراهم می‌کند.

هرچند این حرفه در ابتدا مرتبط با هنرهای دیداری بود، امروزه با توجه به نقش پراهمیت آن در تفسیر و روایت تاریخ هنر، به حوزه‌های دیگر هنرها و نیز تاریخ و مباحث فرهنگی گسترانیده شده است.»